

مکاتبات داخلی و خارجی عهد مظفرالدین میرزا ولیعهد

به کوشش

عباسقلی صادقی، بهروز صادقی

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه:	صادقی، عباسقلی
عنوان و نام پدیدآور:	مکاتبات داخلی و خارجی
عنوان و نام پدیدآور:	عهد مظفرالدین میرزا ولیعهد
عنوان و نام پدیدآور:	عباسقلی صادقی و بهروز صادقی
مشخصات نشر:	نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری:	شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۸۲-۹۴-۶
وضعیت فهرست نویسی:	فیبنا
یادداشت: ایران-- تاریخ	قاجاریان ۱۳۴۴-۱۹۳۳ق، استاد و مدارک
شناسه افزوده:	صادقی، بهروز
رده بندی کنگره:	۱۳۹۳ م ۷۱۶ ص ۱۳۶۸
شماره کتابشناسی ملی:	۳۴۸۷۶۹۳
	رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۰۰۸



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۲، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

مکاتبات داخلی و خارجی عهد مظفرالدین میرزا ولیعهد
به کوشش عباسقلی صادقی - بهروز صادقی

آحرا: نشر تاریخ ایران

طرح جلد: علایی چاپ: القدیر

چاپ اول: ۱۳۹۴ تیراژ: ۲۰۰

ISBN: 978-964-6082-94-6

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۸۲-۹۴-۶

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

فهرست عنوان

۹

۱۱

۸۱۹

۸۲۵

۸۵۷

پیشگفتار مؤلفان

متن مکاتبات

تصاویر اسناد

فهرست اسناد

فهرست اعلام

پیشگفتار مؤلفان

در دوره فاجاریه کشورمان ایران از لحاظ سیاسی به چهار ایالت آذربایجان، اصفهان، خراسان و کرمان و بلوچستان و فارس و بنادر تقسیم شده بود. هر ایالت به چند ولایت، ولایت به چند بلوکات و بلوکات چندین دهستان را در بر می گرفت. ایالت قسمتی را گفته می شد که دارای حکومت مرکزی بوده و توسط فرمانفرما اداره می شده. ولایت هم قسمتی بوده که یک شهر حاکم نشین داشته، همچنین اداره امور بلوک با نایب‌الحکومه و اداره قریه با کدخدا بوده است. از جمله ایالات نامبرده ایالت آذربایجان به مرکزیت تبریز، ولیعهدنشین بوده و شامل ولایات ارومیه، اردبیل، مراغه، مشگین و اهر، ساوجبلاغ مکرری (مهاباد)، ماکو، خوی، سلماس و سایر بلوکات و قراء بوده است. ایالت آذربایجان از چند دیدگاه دارای اهمیت بسیار بوده که به قسمتی از آنها می پردازیم. اولاً گفتیم ایالت آذربایجان ولیعهدنشین بوده، یعنی بعد از انتخاب جانشینی و ولیعهدی توسط شاه، ولیعهد فرمانفرما کل ایالت آذربایجان به مرکزیت تبریز می شده، بطوری که تبریز ولیعهدنشین را دارالسلطنه و تهران شاه‌نشین را دارالخلافه می نامیدند. به عبارتی صاحب منصبان درجه اول در دارالخلافه تهران و صاحب منصبان درجه دوم در تبریز دارالسلطنه مستقر بوده‌اند. مثلاً در تهران، شاه، در تبریز ولیعهد، در تهران صدراعظم، تبریز پیشکار ولیعهد، تهران وزیر امور خارجه، تبریز نایب اول و وزیر امور خارجه، به همین صورت دارالخلافه نشین و دارالسلطنه نشینی شامل سایر وزارتخانه و دستگاه قشونی نیز بوده است. حتی این تقسیم‌بندی در استقرار، شامل کارگزاران سایر دول مطروحه آن زمان که با ایران رابطه داشتند هم می شده، مثلاً در دارالخلافه سفرا و وزیر مختاران انگلیس، روس، عثمانی و فرانسه و

در دارالسلطنه تبریز، ژنرال کنسول‌های این دولت مشغول کارگزاری بوده‌اند. ثانیاً ایالت آذربایجان از پرجمعیت‌ترین و آبادترین و ثروتمندترین ایالات ایران بوده، بطوری‌که این ایالت سکونتگاه اقوام گوناگون قومی و فرهنگی و دینی مهم مثل ترک، کرد، ارمنی، آسوری و یهودی و... بوده و همچنین به دلیل ولیعهدنشینی و تنوع قومی و جمعیتی و ثروتی که گفتیم، دارالسلطنه و سایر ولایات و حتی بلوکات، به قول آن روزی‌ها فرنگی‌هایی از طبقات و اصناف مختلف در لباس‌های مختلف از کشورهایی چون انگلیس، روس، عثمانی، فرانسه، نمسه (اتریش)، یونانی و چندی بعد آمریکایی در آذربایجان مستقر و علاوه بر کارهای سیاسی، به کارهایی چون اداره امور تجارتخانه‌ها، مراکز آموزشی، مؤسسات درمانی و مکان‌های اختصاصی برای تبلیغ فرقه‌های مختلف مسیحی مشغول بوده‌اند. به عنوان مثال مبلغین مسیحی خارجی کلیسای کاتولیک و ارتدوکس برای برگرداندن مسیحیان ایران به فرقه خود همواره در رقابت بوده‌اند و مؤسسات مخصوص خود را تأسیس کرده بودند. ثالثاً از دیدگاه جغرافیایی می‌توان گفت در دوره سلطنت حدود چهارده ساله محمدشاه پسر ناصرالدین‌شاه، هنوز کشورمان در تب و تاب بوده و تحت رقابت‌های انگلیس و روس درگیر جنگ‌های شرق ایران بود. بعد از روی کار آمدن ناصرالدین‌شاه و سلطنت حدود پنجاه ساله او با صدرات مرد بزرگ و کاردانی چون میرزاقی‌خان امیرکبیر، آرامش نسبی برقرار و دوره سازندگی با جدیت آغاز شده بود. متأسفانه دسیسه‌های خارجی و نادانی و خباثت داخلی‌ها باعث شد این رجل و شخصیت سیاسی که گل سرسبد تمام سلسله قاجار بود، از میدان‌آبادی، سازندگی و اصلاحات ایران بیرون شود. به هر حال در این دوره آمد و شد‌ها هم آغاز شده بود، بطوری‌که ایرانیان برای کسب و تجارت با مال‌التجاره‌هایشان راهی کشورهای همسایه روس و عثمانی و کشورهای اروپایی شده و در شهرهای مختلف آن کشورها تجارتخانه‌هایی تأسیس نموده بودند. این سفرها و مشاهده پیشرفت‌ها در علوم و فنون و تغییرات فرهنگی و سیاسی، تأثیرات بس‌ژرفنی بر رفته‌ها و آمده‌ها می‌گذارد. هم در این دوره است که دانشجویان بسیاری برای آموزش علوم جدید و دقیقه به فرنگ فرستاده شدند و نیز بعد از تأسیس مدرسه دارالفنون، آموزش‌ها در داخل کشور هم شروع و پای اساتید کشورهای مختلف به کشور بیشتر باز شد.

نتیجه بعدی این تأثیرات را در جنبش تنباکو و انقلاب مشروطیت می‌توان جست. حتی ناصرالدین‌شاه را هم این رفت و آمدها به کنج‌کاو و ادا داشته و میرزا حسین‌خان سپهسالار صدر اعظم او که قبلاً سال‌های متمادی در کشورهای اروپایی و عثمانی وزیر مختار بود، تشویق به سفر فرنگ نمود. نتیجه آنکه ناصرالدین‌شاه در سه سفر به اروپا،

در بازگشت از هر سفر تغییراتی در دستگاه حکومتی و اجرایی کشور می‌داد. گفتیم آذربایجان از لحاظ جغرافیایی موقعیت ممتازی داشته، چون هم مرز دو دولت قدرتمند و طماع یعنی روس و عثمانی بوده و با اینکه جنگ‌های چندین باره با این دو دولت به اتمام رسیده بود، ولی کشمکش مرزی بر سر زمین‌های متنازع فیهما باقی بود و مرزها تب و تاب داشتند.

گفتیم سفر ایرانی‌ها به خارجه و خارجی‌ها به ایران رونقی گرفته بود و این مسافرت‌ها در دو خط سیر یا جاده پر تردد بود: یکی راه زمینی با ادامه آبی، یعنی تهران، کرج، قزوین، لوشان، رستم‌آباد، رشت و بندرانزلی و ادامه راه دریایی تا حاجی طرخان (مشرخان) در دهانه رود ولگا و سپس با قطار به شهرهای روسیه و از آنجا به سایر شهرهای اروپا، و راه دیگر زمینی یعنی تهران، کرج، قزوین، زنجان، میانه، تبریز، مرند، خوی و جلفا و بعد ایروان و تفلیس و از آنجا به سایر نقاط اروپا، به خصوص این خط سیر زمینی به اصطلاح امروز بسیار پرترافیک بوده، بطوری‌که از تبریز تا تفلیس اوج ترافیک بوده و قطارهای شتران و قاطران با مسافران و بارها، شبانه روزی و در تمام فصول سال در آمد و شد بودند.

دنباله مطلب را در مورد کتاب پیش رو پی می‌گیریم. گفتیم تبریز دارالسلطنه ولیعهدنشین بوده و شعبه‌ای مهم از وزارت امور خارجه در آنجا استوار و این تشکیلات و اجزاء آن، توسط نایب اول وزارت امور خارجه اداره می‌شده و بسیار فعال بوده است. در میان این اجزاء و تشکیلات، شخصی بوده به نام میرزامعصوم‌خان که دارای القابی چون مقرب الخاقان، عمدة الخواتین العظام، حاجی میرزامعصوم‌خان، نایب اول کارگزاری ایالت آذربایجان، مقرب الحضرة الخاقانیة، حاجی میرزامعصوم‌خان، نایب کارگزاری، حاجی میرزامعصوم‌خان کفیل امور کارگزاری خارجه ایالت آذربایجان، عالی مطاع معظم، آقای میرزامعصوم، منشی‌باشی مهمام وزارت امور خارجه دارالسلطنه تبریز، گماشتگان سرکار شوکت مدار، خداوندگاری اعظم، آقای حاجی خان سرتیپ^۱ و نایب اول مهمام خارجه دارالسلطنه تبریز.

لازم به ذکر است که نامبرده قبل از وارد شدن به جمع اجزاء وزارت امور خارجه آذربایجان، منصب کنسول (کارپرداز) ایران در حاجی طرخان را داشته است. از جمله ماترک‌هایی که از میرزامعصوم‌خان برای خانواده باقی مانده بود، مقداری اسناد و مکاتبات و کتاب بوده است. نظر به اهمیت عصر صدور این اسناد و مکاتبات و اهمیت

۱. "میرزامعصوم‌خان کارپرداز مخصوص دولت علیه مقیم حاجی طرخان به اعطای نشان سرتیپی سیم و حمایل مخصوص آن مفتخر گشت، ۱۲۸۳ قمری". مرآة البلدان، تألیف محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه جلد ۲-۳، چاپ دانشگاه تهران.

سیاسی و جغرافیایی مکان آنها، یعنی آذربایجان، مصمم شدیم که مکاتبات را به علاقه‌مندان ارائه و در معرض دسترس قرار دهیم. می‌دانیم که سند منبعی است دست اول و اصیل‌ترین و مهم‌ترین ابزار مطمئن پژوهشگر و محقق و تاریخ‌دان است، به شکلی که وقایع و مسائل مندرجه در آن مثل آینه، بدون دخالت عواطف و احساسات و سایر ملاحظات نگارنده، در آن منعکس است. این مکاتبات را به دو دسته تقسیم نمودیم. دسته اول مکاتباتی که کارگزاران دول خارجی مستقر در ایالت آذربایجان با کارگزاران دولت ایران داشته‌اند که این مکاتبات تحت عناوین "مکاتبات دول ثلاثه با دولت ایران، جلد اول انگلیس، جلد دوم روس و جلد سوم عثمانی با ضمیمه چند مکاتبه دولت فرانسه" در سه جلد توسط ناشر محترم انجمن آثار و مفاخر فرهنگی چاپ شده است.

قسمت دوم، مکاتبات داخلی بوده که این مکاتبات شامل نامه‌های وارده و صادره از طرف دستگاه دارالسلطنه تبریز و تشکیلات و لبعده با کارگزاران خارجی، مکاتبات با صاحب‌منصبان دارالخلافه تهران و بالعکس، مکاتبات با حکام و نایب‌الحکومه‌ها و دیگران بوده و محتوی کتابی است که در دستان می‌باشد.

غرض از ارائه این نوشته‌ها گزارش بخشی از عین وقایع تاریخ است که در حدود سال‌های ۱۲۵۰ تا ۱۳۰۹ قمری اتفاق افتاده‌اند. در این اثر نه از کسی ستایش شده و نه کسی نکوهش. چگونگی برداشت به عهده پژوهشگران و محققین و خوانندگان واگذار شده است. در اینجا لازم می‌دانیم از جناب آقای دکتر شهریار مرتضوی، سرکار علیه عالیله خانم آذر آزموده، خانم سپیده کمالات‌آزمی، آقای کساوه نصری، سرکار خانم محترمه مریم مقدادی و بهنام هکی به مناسبت پشتیبانی‌ها و تشویق‌هایشان نهایت سپاسگزاری را نموده و از روان‌شادان سرکار مرحومه خانم دکتر شهرناز مرتضوی و مرحوم آقای سید احمد سراج میریادی کرده باشیم.

در پایان وظیفه است که از سرکار علیه عالیله خانم دکتر منصوره اتحادیه (نظام مافی) مدیر محترمه و دانشمند نشر تاریخ ایران و سرکار محترمه خانم سعاد پیرا که الطافشان در چاپ این کتاب شامل حال ما شده و همچنین سایر همکاران و دست‌اندرکاران نشر تاریخ ایران که سپاس از ایشان در این مختصر نمی‌گنجد را پاس داریم و بگوییم:

ایام به کام مستدام باد